

# آناتومی ویرانسازی انسان

(پرخاصجویی و ویرانسازی)

نوشته: اریک فروم

ترجمه: دکتر احمد صبوری



انتشارات تیشیان

## فهرست مطالب

۱۱	..... پیشگفتار
۱۵	..... ویژه شناسی
۱۹	..... مقدمه
۱۹	..... غریزه و شور انسانی
۳۱	..... بخش اول: غریزه، رفتار، روان‌کاوی
۳۳	..... ۱. غریزه‌گرایان - غریزه‌گرایان پیشین
۳۵	..... غریزه‌گرایان نوین: زیگموند فروید و کنراد لورنز
۳۵	..... مفهوم فرویدی پرخاشجویی
۳۷	..... نظریه‌ی پرخاشجویی لورنز
۴۱	..... فروید و لورنز: شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان
۴۲	..... «دلیل» تمثیلی
۵۰	..... نتیجه‌گیری‌هایی درباره‌ی جنگ
۵۴	..... بت‌پرستی تکامل
۵۷	..... ۲. حیطه‌گرایان و رفتارگرایان
۵۷	..... محیط‌گرایی در عصر روشنگری
۵۷	..... رفتارگرایی
۵۸	..... نو - رفتارگرایی اسکینر
۵۹	..... هدفها و ارزش‌ها
۶۶	..... دلایل وجاهت مکتب اسکینر
۶۷	..... رفتارگرایی و پرخاشجویی
۷۱	..... درباره‌ی آزمایش‌های روان‌شناختی
۹۹	..... نظریه‌ی بی‌کامی - پرخاشجویی
۱۰۳	..... ۳: غریزه‌گرایی و رفتارگرایی: تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان
۱۰۳	..... زمینه‌ای مشترک
۱۰۵	..... نظریات تازه‌تر
۱۰۸	..... زمینه‌های سیاسی و اجتماعی هر دو نظریه
۱۱۳	..... ۴: رویکرد روان‌کاوی برای درک پرخاشجویی
۱۲۰	..... جمع‌بندی کنیم

## پیشگفتار

بررسی حاضر نخستین مجلد از اثری جامع درباره‌ی نظریه‌ی روان‌کاوی است. بررسی پرخاشجویی و ویرانسازی در آغاز اثر از این‌روست که یکی از مسایل بنیادین نظری در روان‌کاوی است و از این گذشته، موج ویرانسازی که جهان را فراگرفته در عمل بیشترین مناسبت را به این بررسی می‌دهد.

شش سال پیش از آغاز کردن کتاب، دشواریهایی را که ممکن بود با آن روبرو شوم بسیار ناچیز می‌شمردم. خیلی زود آشکار شد که چنانچه در محدوده‌ی میدان اصلی توانش خویش، یعنی روان‌کاوی، باقی بمانم، در مورد ویرانسازی انسان به گونه‌ای مناسب نمی‌توان نوشت. این پژوهش در همان حال که پیش از هرچیز پژوهشی روان‌کاوانه دانسته می‌شود، در دیگر میدان‌ها به ویژه فیزیولوژی اعصاب، روان‌شناسی جانوری، دیرین‌شناسی و انسان‌شناسی نیز به اندک دانشی نیازمند است تا از تنگ نظری بیش از اندازه و همچنین از آشفته ساختن محدوده‌ی موضوع، دوری شود. دست کم می‌بایست بتوانیم نتیجه‌گیری‌های خود را با داده‌های اصلی دیگر رشته‌ها بررسی کنیم تا مطمئن شویم که فرضیه‌های من آنها را نقض نمی‌کند و معلوم شود، همچنان که امید داشتم، فرضیه مرا تأیید می‌کند.

چون هیچ نوشته‌ای وجود نداشت که یافته‌های همه‌ی این رشته‌ها را درباره‌ی پرخاشجویی گزارش داده و یگانه سازد یا حتی در رشته‌ای مشخص خلاصه‌شان کند، مجبور شدم خود به چنین کوششی بپردازم. به گمان من، این تلاش با ارائه‌ی امکان

## واژه شناسی

کاربرد مبهم کلمه‌ی «پرخاشجویی» [aggression] آشفتگی زیادی را در متون غنی این بحث ایجاد کرده است. این واژه در مورد رفتار انسانی که از زندگی خود در برابر تهاجم دفاع می‌کند، سارق‌هایی که قربانی خویش را به خاطر به دست آوردن پول می‌کشد و شخص سادیستی که زندانی را شکنجه می‌کند، به کار رفته است. آشفتگی از این نیز فراتر می‌رود: این واژه برای شیوه‌ی ارتباط جنسی مرد با زن، در مورد انگیزه‌ای که بازاریاب یا کوهنورد را به پیش می‌راند، و کشاورزی که زمین را شخم می‌زند، به کار می‌رود. شاید این آشفتگی به سبب نفوذ اندیشه‌ی رفتارگرایان بر روان‌شناسی و روان‌پزشکی باشد. چنانچه همه‌ی اعمال «زیانبار» را - یعنی، اعمالی که تأثیری مخرب یا ویران‌ساز بر اشیاء، گیاه، جنور، یا انسان دارد - پرخاشگری بنامیم در این صورت ویژگی انگیزه‌ای که در پس عمل زیان‌بار قرار دارد به طور کامل بی‌مناسبت خواهد بود. چنانچه اعمالی که به منظور نابود ساختن است، اعمالی که به منظور حمایت است، و اعمالی که به قصد ساختن است، همگی با کلمه‌ای واحد بیان شود، واقعاً هیچ‌امیدی به درک «علت» آنها نیست؛ هیچ علت مشترکی ندارند زیرا پدیده‌هایی کاملاً متفاوتند و چنانچه کسی برای یافتن علت «پرخاشجویی» بکوشد در وضعیتی از لحاظ نظری در مانده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

---

۱- باید توجه داشت که فروید از تمایزهای پرخاشجویی بی‌خبر نبود. به علاوه، دشوار بتوان در مورد فروید انگیزه‌ی نهفته را در سمت‌گیری رفتاری یافت؛ به احتمال بیشتر او تنها از کاربرد مرسوم پیروی می‌کرده، علاوه بر این، کلی‌ترین واژه‌ها را اختیار کرده تا مقوله‌های گسترده‌ی خود مانند غریزه‌ی مرگ را همساز سازد.